

## بررسی عوامل فردی مؤثر بر مفقودیت اشخاص (مطالعه موردی کلانشهر اهواز)

علی حسین حسین زاده<sup>۱</sup>، ولی مریدی<sup>۲</sup>، احمد همیالی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۶/۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۹

### چکیده

**زمینه و هدف:** این پژوهش با هدف بررسی عوامل فردی مؤثر بر مفقودیت اشخاص در کلانشهر اهواز انجام گرفته است. در واقع هدف اصلی از انجام این تحقیق، بررسی تأثیر متغیرهایی همچون: متغیرهای زمینه ای، احساس محرومیت نسبی، پایگاه اقتصادی و... بر پدیده مفقودیت و معنی داری یا عدم معنی دار بودن تفاوت آماری مفقودین در رابطه با این متغیرها می باشد.

**روش:** پژوهش انجام شده با روش پیمایشی و استفاده از تکنیک پرسشنامه از نمونه ای به حجم ۱۵۷ نفر انجام گرفته است و نمونه ها به صورت تصادفی ساده تعیین گردیده اند. جامعه آماری شامل کلیه افراد مفقود شده در کلانشهر اهواز در سال ۱۳۸۹ می باشد که مجموع آنها تعداد ۳۴۴ نفر بوده است.

**یافته ها و نتایج:** داده های جمع آوری شده به کمک نرم افزار excel و spss نسخه ی ۱۸ بصورت توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل گردیده اند. در بخش استنباطی، از آزمون های Binomial و  $\chi^2$  square استفاده گردیده است. فرضیه های تدوین شده ی این تحقیق، که مجموعاً شامل ۶ فرضیه بوده است به کمک آزمون های پیش گفته مورد بررسی قرار گرفت که نتایج حاصله نشان داد: متغیرهای زمینه ای (جنس، سن، تاهل)، تحصیلات، پایگاه اقتصادی و محرومیت نسبی با پدیده ی مفقودیت رابطه ی معنی دار داشتند و کلیه فرضیه های تحقیق مورد تأیید قرار گرفته اند. در پایان بر اساس نتایج حاصله راهکارهای پیشنهادی و کاربردی ارائه گردیده است.

### واژه های کلیدی

مفقودیت، اهواز، پدیده، ازدواج اجباری، محرومیت نسبی، قومیت

۱- دانشیار گروه جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز- (ali.hosar@yahoo.com)

۲- کارشناسی ارشد جغرافیا دانشگاه آزاد واحد خرم آباد و عضو هیات علمی معاونت آموزش ناجا- (نویسنده مسئول)

(vali.moridi@yahoo.com)

۳- کارشناس آسیب های اجتماعی دانشگاه زاهدان. (H\_ahmmad@yahoo.com)

## مقدمه

مفقودیت اشخاص یکی از آسیب های اجتماعی و چالش های بحث برانگیز جوامع امروزی است. اگرچه این موضوع عنوان بزه را به خود اختصاص نداده است، اما بعضاً زمینه ی بزه هایی از جمله آدم ربایی، قاچاق اعضاء و جوارح انسان، سوء استفاده های جنسی و ... را برای افراد فرصت طلب و سود جو فراهم نموده است که طبیعتاً این گونه جرایم اندوه جانکاه و غم ابدی را برای خانواده های این افراد به ارمغان می آورد. امید است، این تحقیق بتواند در راستای تحقق اهداف نیروی انتظامی و ریشه یابی وقوع این پدیده، کارساز بوده و زمینه تحقیقات و مطالعات جامع تر را در دیگر استان های کشور فراهم آورد.

چنانچه گفته شد، پدیده مفقودیت را می توان به عنوان یک آسیب و کج روی در اجتماع مطرح نمود؛ لذا از آنجایی که خانواده به عنوان اولین و مهمترین نهاد اجتماعی در شکل گیری روند این گونه آسیب ها نقش حیاتی را ایفا می کند، جا دارد ابتدا اشاره ای به جامعه شناسی خانواده های ایرانی داشته باشیم. دکتر تقی آزاد ارمکی در کتاب معروف جامعه شناسی خود می نویسد: «هر نوع تغییری در جامعه ایرانی ریشه در خانواده دارد. اصلی ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایرانی، یا به واسطه خانواده محقق شده است یا اینکه جهت گیری آن معطوف به خانواده بوده است.» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶، ص ۳)

نگاه جامعه شناختی دلالت بر این دارد که واقعیتهای معین و با هویتی چون خانواده، که قابل مطالعه جامعه شناختی است وجود دارد. این واقعیت، امری عینی و متمایز از افراد و دیگر نهادهای جامعه است. خانواده در این نگاه ممکن است عنصر مستقل اثر گذار بر دیگر نهادها و پدیده ها در نظر گرفته شود و همچنین از دیگر امور اجتماعی متأثر باشد. (سروستانی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴)

اولین افرادی که نگاه علمی به خانواده داشتند، فردریک لویله از فرانسه و ویلهلم هاینریش ریل از آلمان بودند. این دو که می توان آنان را «پدران جامعه شناسی خانواده»

نامید در اوج انقلاب صنعتی اروپا شاهد فروپاشی خانواده‌ها بودند و ریشه‌ی آن را در تحولات فکری و آزادی خواهانه و برابری می‌شناختند. آنان در دفاع از خانواده سنتی (گسترده) به نقد مسیری پرداختند که خانواده در دوره جدید طی می‌کرد. افکار آنان تا پیدایش جامعه‌شناسی جدید دورکیمی بر اروپا حاکم بود. (آزادارمکی، ۱۳۷۶، ص ۱۵)

به علاوه تأثیر دیگر پارامترهای محیطی و اجتماعی را به هیچ وجه نمی‌توان نادیده گرفت. براساس یافته‌های همین تحقیق غالب افراد مفقود شده که آگاهانه خانه را ترک گفته‌اند، با برخی از مشکلات خانوادگی؛ اعم از زندگی هر یک از والدین به تنهایی بعد از طلاق یا فوت همسر، زندگی یکی از والدین با فرزندان، زندگی فرزندان پدر و مادر از دست داده وجود نامادری در منزل و ... مواجه بوده‌اند. لذا در این پژوهش تأثیر هر یک از متغیرهای تأثیر گذار در امر مفقودیت افراد به تفکیک مورد سنجش قرار گرفته است.

**بیان مسأله:** پدیده مفقودیت در جوامع از هم گسیخته غربی امری عادی و مورد پذیرش جامعه تلقی می‌گردد! چرا که نظام خانواده جایگاه و مفهوم واقعی خود را از دست داده و بی بند باری‌های جنسی، کانون گرم خانواده را از هم پاشیده‌اند. بسیاری از نوجوانان و جوانان غربی بدون اطلاع والدین خود اوقاتشان را بدون نگرانی خانواده، با دوستان و معشوقه‌های خود سپری می‌کنند. اما از آنجائی که دین مبین اسلام عزت نفس، عفت و سلامت روحی را برای ما به ارمغان آورده است، خانواده هم جایگاه واقعی خود را پیدا نموده و به تبع، انفکاک ناگهانی هر یک از اعضاء که بدون اطلاع دیگر اعضای خانواده از سرنوشت وی واقع شود، یک چالش و بحران خانوادگی را به دنبال خواهد داشت و تا پیدایش آن همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند. این پدیده که مفقودیت اشخاص تعریف می‌شود، در فرهنگ و جامعه‌ی اسلامی ما نوعی از آسیب‌های اجتماعی بوده و بایستی به هر نحو ممکن در صدد پیشگیری از وقوع آن برآمد.

در سال ۱۳۸۹ مجموعاً تعداد ۳۳۴ فقره مفقودیت اشخاص در کلانشهر اهواز گزارش گردیده است<sup>۱</sup> که وجود این امر و احتمال روند رو به رشد آن به تناسب رشد تصاعدی جمعیت که چندان هم دور از انتظار نیست، موجبات نگرانی مسئولین استانی بویژه فرماندهی انتظامی استان خوزستان را فراهم آورده است.

آمار گزارش مفقودیت اشخاص در کلانشهر اهواز در سالهای متوالی ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ که فراوانی وقوع آن به ترتیب ۳۴۴، ۳۸۲ و ۴۳۸ فقره بوده است، آمار رو به رشد و نگران کننده ای است که دغدغه ی اصلی نگارنده تلقی شده و در واقع افزایش روز افزون آمار مفقودیت در کلانشهر اهواز یک مساله ی اساسی به شمار می رود. از طرفی با وقوع پدیده ی مفقودیت و عدم اطلاع خانواده از سرنوشت فرد مفقود شده، بحران ناگهانی در خانواده ایجاد شده و در سطح گسترده ای در جستجوی فرد بر می آیند و همین موضوع نوعی اطلاع رسانی و ایجاد جو روانی در سطح اجتماع ایجاد می نماید و به تبع احساس ناامنی افزایش پیدا می کند. بنابراین، موضوع مفقودیت به عنوان یک مساله ی اساسی فراروی پلیس قرار گرفته و دغدغه ی فرضیات مختلف در خصوص افراد مفقود شده از جمله این که احتمال زمینه ی وقوع جرایم دیگر، مانند: آدم ربایی، مطامع مالی قاچاقچیان فروش اعضاء بدن یا مواد مخدر و ... نیز متصور می شود، مسأله ی مفقودیت را پررنگ تر می کند. چرا که اولین فرضیه ای که در بحث مفقودیت اشخاص مطرح می شود احتمال وقوع یک آدم ربایی یا قتل است.

کودکان پسر و دختر، دختران و زنان جوان نیز ممکن است به عنوان یک طعمه در معرض سرقت و ربایش قاچاقچیان اعضاء بدن و مواد مخدر و همچنین در معرض سوء استفاده های جنسی قرار گیرند. (خلعتبری، ۱۳۸۵، ص ۱۷۵) از این رو ضرورت تحقیقات و مطالعات جامع و ریشه یابی وقوع این پدیده امری اجتناب ناپذیر بوده که بایستی همواره در دستور کار قرار گیرد.

۱- منبع آمار: پلیس آگاهی فاستان خوزستان- اداره مبارزه با جرایم جنایی

**ضرورت تحقیق:** پدیده مفقودیت در جامعه‌ی ما و در کلانشهر اهواز امروزه به عنوان یک آسیب اجتماعی مطرح بوده و هست. لذا ضرورت دارد نیروی انتظامی به عنوان متولی نظم و امنیت اجتماعی به موازات سایر نهادهای تولید کننده امنیت در صدد جستجو و یافتن علل و انگیزه‌های وقوع این پدیده برآمده و راههایی را برای رهایی از آن پیدا کند. بدیهی است دست‌یابی به شیوه‌های موصوف صرفاً در سایه تحقیقات و مطالعات علمی گسترده، میسر خواهد بود. آنگاه که ریشه وقوع این کج روی‌ها مشخص شد، طبیعی است که شیوه پیشگیری و درمان نیز اتخاذ خواهد شد. آنچه مسلم است، انجام این تحقیق زمینه‌ی تحقیقات بعدی و توسعه فعالیت علمی و تحقیقاتی در راستای مبارزه با مفقودیت اشخاص را فراهم خواهد نمود و از این رو که تحقیقات چندانی هم در این رابطه صورت نگرفته است، اهمیت و لزوم این پژوهش مضاعف می‌گردد. از طرفی استان خوزستان به لحاظ بافت جمعیتی قومی و قبیله‌ای و حضور اقوام مختلف ایرانی در این استان، ناحیه مناسبی برای انجام این تحقیق است. بنابراین امکان تعمیم یافته‌های تحقیق به سایر استان‌های کشور نیز وجود خواهد داشت. لازم به یادآوری است برخی از نمونه‌های تحقیق از مهاجرین استانهای دیگر بوده که در کلانشهر اهواز ساکن گردیده‌اند. هدف اصلی این پژوهش، در واقع بررسی جامعه‌شناختی و ریشه‌یابی علل مؤثر بر شکل‌گیری و وقوع پدیده مفقودیت اشخاص در کلانشهر اهواز می‌باشد. فقدان اشخاص موضوعی نیست که صرفاً به کلانشهر اهواز اختصاص داشته باشد، یک افسر پلیس در ارتباط با فقدان افراد باید بتواند انگیزه‌های فقدان را تشخیص دهد. تا متناسب با موضوع فرضیه‌سازی نموده و اقدامات شکلی و ماهوی خود را انجام دهد. از طرفی ممکن است فقدان شخص به یک جنایت فجیع منجر شده باشد. امیدواریم نتایج کاربردی این تحقیق مورد استفاده یگانهای اجرایی نیروی انتظامی، دادگستری و شورای تأمین استان قرار گیرد.

نوآوری این تحقیق از این جهت است که نتایج علمی آن؛ که همان دست یابی به علل و انگیزه های مفقودیت در استان می باشد، رویکرد نوینی را از اقدامات پلیس در برخورد با پدیده مفقودیت شکل داده و زمینه تحقیقات بیشتر را ایجاد می کند.

**فرضیه های تحقیق:** مبتنی بر ادبیات تحقیق، فرضیه ها به شکل زیر تدوین گردیدند.

فرضیه اول: به نظر می رسد بین جنسیت افراد و مفقودیت آنان رابطه وجود داشته باشد.

فرضیه دوم: بنظر می رسد بین وضعیت تاهل افراد و مفقودیت آنان رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: به نظر می رسد بین سن افراد و مفقودیت آنها رابطه وجود داشته باشد.

فرضیه چهارم: بنظر می رسد بین تحصیلات افراد و مفقودیت آنها رابطه وجود داشته باشد.

فرضیه پنجم: بنظر می رسد بین پایگاه های اقتصادی افراد و مفقودیت آنان رابطه وجود

داشته باشد.

فرضیه ششم: بنظر می رسد بین احساس محرومیت نسبی و مفقودیت افراد رابطه وجود

داشته باشد.

## روش

روش مورد استفاده در این تحقیق، پیمایشی<sup>۱</sup> می باشد و از آنجائی که اطلاعات ما طی یک دوره زمانی خاص (سال ۱۳۸۹) جمع آوری گردیده اند، محقق روش مقطعی را انتخاب نموده و جامعه را بر اساس متغیرهای مربوطه توصیف نموده است. با توجه به محرمانه بودن اطلاعات جامعه آماری و لزوم رازداری و حفظ حیثیت و آبروی اشخاص مفقود شده، تعداد ۴ نفر از پژوهشگران آموزش دیده و صلاحیت دار سازمانی، بانظارت شخص محقق اقدام به جمع آوری اطلاعات مورد نیاز نموده اند. به این ترتیب که بدو مشخصات فردی و مشخصات افراد مفقود شده در سال ۱۳۸۹، طی مکاتبه ای محرمانه از پلیس آگاهی استان اخذ و سپس پژوهشگران با در اختیار داشتن آدرس و مشخصات افراد

مورد نظر و حکم مأموریت، با لباس مبدل به درب منازل آنان اعزام و ضمن معرفی خود و توجیه فرد مفقودی یا یکی دیگر از اعضای خانواده وی؛ مبنی بر بیان صریح موضوع تحقیق و استفاده علمی از نتایج آن، پرسش نامه ها را تکمیل و تأیید نموده اند. جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه افراد مفقود شده در سال ۱۳۸۹ در کلانشهر اهواز می باشد، این جامعه آماری متشکل از کلیه مفقودین اعم از مرد، زن، بچه بوده که همه اشخاص مفقود شده، صرف نظر از سرنوشت نهایی آنها (پیدایش، عدم پیدایش) را شامل می شود. ضمناً با توجه به همگن بودن افراد جامعه، جهت گزینش نمونه ها از قرعه کشی استفاده گردیده و روابط  $n/8$  نیز رعایت گردیده است. حجم نمونه ۱۵۶ نفر از بین کلیه افراد مفقود شده در سال ۱۳۸۹ در کلانشهر اهواز انتخاب شده است. اطلاعات مربوط به تعداد ۲۰ نفر به عنوان یک نمونه پیش آزمون به کمک نرم افزار کامپیوتری SPSS مورد آزمون قرار گرفته و با توجه به ضریب بدست آمده ( $\alpha = 0/970$ ) ابزار پژوهش، ابزاری اعتماد پذیر و پایا ارزیابی گردید. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار excel و SPSS نسخه ۱۸ در دو بخش توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل گردیده اند. که در بخش استنباطی، از آزمون های Binomial و ch-square استفاده گردیده است.

**مبانی نظری تحقیق: هیرشی<sup>۲</sup> (پیوند اجتماعی):** داشتن تعلق خاطر نسبت به افراد و نهادها در جامعه یکی از شیوه هایی است که فرد خود را در ارتکاب کج رفتاری آزاد بدانند (مرتن، ۱۹۶۸، ص ۲۱۰) انزوا و گسستن پیوندهای اجتماعی که از خانواده شروع می شود، می تواند زمینه ی انحراف و جدایی فرد از خانواده را فراهم کند. بدین معنا که فرد در برخی از موارد خود را متعلق به خانواده ندانسته و به میل و رغبت خود خانه و خانواده را ترک می گوید. اعتقاد افراد به اعتبار اخلاقی نظام هنجارهای اجتماعی و رعایت

۱- چنانچه ضریب به دست آمده (آلفای کرنباخ Cronbach Alpha) بالای ۰/۶۰ باشد، ابزار پژوهش پایا و اعتماد پذیر است.

قوانین و مقررات نیز موجب احساس وظیفه اخلاقی نسبت به دیگران می شود و ضعف چنین اعتقادی راه را برای کج رفتاری هموار می کند. (هیرشی، ۱۹۶۹، ص ۲۶)

**تعریف مفقودیت:** هر فردی که محل کار، اقامت یا منزل خود را ترک کند و بستگان، همکاران یا نزدیکان از محل فعلی و سرنوشت وی بی اطلاع باشند و در جستجوی او برآیند، اما قادر به یافتن وی نشوند، به عنوان مفقودی یا گمشده تلقی می شود. (بیابانی، ۱۳۸۴، ص ۶۰۱)

ترک یا خروج فرد از محل اقامت یا محل کار بدون اطلاع و بازگشت، گم شدن یا مفقودی فرد است که اولیا فرد مفقود شده و یا وابستگان وی باید در اولین اقدام، پلیس را مطلع نمایند. (خلعبری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷)

مسئله فرار از منزل از مهمترین و متداول ترین واکنش های منفی دفاع روانی است که در برخی از کودکان و بسیاری از نوجوانان و بالغان وجود دارد ما در زندگی اجتماعی افرادی داریم که به کمترین بهانه ای از زندگی و کاشانه خود می گریزند و زندگی نسبتاً آرام خود را جهنم می کنند. این مساله در همه ی اعصار وجود داشته و در عصر ما به علت امکان مسافرت ها و جابجایی ها و هم به علت آشفته گی وضع خانواده ها، بیشتر است. امروزه رهبری والدین ضعیف شده و هیچ حصار و حفاظی محیط خانواده را در بر نمی گیرد. برخی از کودکان و گروهی از نوجوانان، با استفاده از این شرایط از محیط خانواده فرار کرده و خود را به دست سرنوشتی مبهم می سپارند. فرار در افراد، رفتاری غیر عادی است و مسأله ای است که در تربیت، باید راجع به آن تأمل شود. به ویژه که این امر گاهی توسط یک بیمار روانی یا روان رنجور صورت می گیرد و برای والدین و مربیان مشکل و درد سر می آفریند. (افراسیابی، ۱۳۹۰، ص ۵۶)

با توجه به تعاریف ارائه شده اگر فرد تحت هر شرایطی و به هر انگیزه ای منزل، اقامتگاه یا محل کار خود را ترک نماید به طوری که بستگان یا نزدیکان یا همکاران از سرنوشت یا محل اقامت فعلی او بی خبر باشند، فرد، مفقود شده تلقی می گردد و چنانچه این موضوع



به مراجع ذی صلاح (نیروی انتظامی و دستگاه قضایی) اطلاع داده شود؛ تحت موضوع مفقودیت مورد بررسی و پی جویی قرار می گیرد. این موضوع ((با آدم ربایی یا گروگانگیری))<sup>۱</sup> کاملاً متفاوت می باشد. در بحث آدم ربایی فرد توسط شخص یا اشخاص آدم ربا<sup>۲</sup> ربوده و ناپدید می شود؛ در صورتی که افراد مفقود شده غالباً با میل و اراده خود منزل را ترک می کنند. هرچند در بسیاری از جرائم آدم ربایی ابتدا مراتب تحت عنوان مفقودیت گزارش می شود و بر عکس؛ که در این تحقیق مورد بحث قرار خواهد گرفت.

**انواع مفقودیت:** مفقودیت بر اساس معیارهای مختلفی قابل تقسیم بندی است اما مهمترین و در واقع بهترین تقسیم بندی همان تقسیم بندی بر اساس انگیزه مفقودیت است. عبدالحسین خلعتبری و سید رضا خوشزاد در کتاب آدم ربایی، گمشدگان، گروگانگیری به طور کلی اقسام گمشدگان را به شرح ذیل عنوان می نمایند:

۱. افرادی که بطور متعارف منزل را جهت کار روزمره ترک می کنند.
  ۲. افرادی که به جهت تنش های خانوادگی همچون فقر، بیکاری، عدم توان در ادامه تحصیل، شمات و سرخوردگی خانوادگی، یأس و ناامیدی از زندگی زناشویی و مسائل احساسی و ... منزل را ترک و بعد از مدتی به منزل مراجعت می نمایند، یا دست به انتحار می زنند. این گروه شامل جوانانی است که خانواده آنها رادرک نمی کند یا والدین آنها نتوانسته اند با ایشان ارتباط برقرار نمایند.
- الف) پسران و دختران جوان به لحاظ بی توجهی یا عدم تحقق نیازهای عاطفی شان از منزل متواری می گردند. این گروه شامل پسران و دختران فراری است که به انگیزه مشخص منزل را ترک می نمایند و بدین طریق تلاش می نمایند تا خانواده هایشان را تحت فشار روحی قرار دهند.

۱ - Abduction/Kidnapping

۲ - Kidnapper

ب) افراد سالخورده و مجنون و یا افرادی که به اختلال حواس مبتلا هستند یا به جهت پیری از قدرت دفاعی و تمیز آنان کاسته شده است.  
ج) کودکان خردسال. (خلعتبری، ۱۳۸۶، ص ۱۶۹)

### یافته ها

**نحوه تجزیه و تحلیل اطلاعات:** در این پژوهش ضمن لحاظ نمودن فرضیه ها و تجزیه و تحلیل و آزمون های مربوطه، پس از توزیع، تکمیل و جمع آوری پرسشنامه ها اطلاعات به دست آمده در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**سن افراد مفقود شده:** بر اساس جدول شماره (۱) با توجه به مشاهدات معتبر (۱۵۷ نفر) میانگین سنی افراد مفقود شده ۲۱٫۸۲ سال بوده است. انحراف از معیار ۷٫۷۶۱ و مقدار واریانس ۶۰٫۲۲۸ می باشد، حداقل سن افراد مفقود شده ۸ سال و حداکثر سن آنان نیز ۵۶ سال بوده است.

جدول ۱: آماره های توصیفی سن مفقودین

مشاهدات	معتبر	۱۵۷
	بی پاسخ	۰
میانگین		۲۱٫۸۲
انحراف معیار		۷٫۷۶۱
واریانس		۶۰٫۲۲۸
حداقل		۸
حداکثر		۵۶

**جنس افراد مفقود شده:** در خصوص جنسیت افراد مفقود شده با توجه به اطلاعات مربوط به مفقودین و بر اساس جدول شماره (۲) به لحاظ فراوانی، از مجموع ۱۵۷ نفر،

جنسیت تعداد ۹۸ نفر زن و جنسیت ۵۹ نفر مرد می باشند؛ که به عبارتی ۶۲٪ از کل افراد مفقود شده زن بوده اند و ۳۸٪ افراد مفقود شده مرد بوده اند.

**جدول ۲: توزیع فراوانی جنسیت مفقودین**

جنسیت	فراوانی	درصد
مرد	۵۹	۳۸
زن	۹۸	۶۲
کل	۱۵۷	۱۰۰

**وضعیت تاهل:** جدول شماره (۳) اطلاعات مربوط به وضعیت تاهل افراد مفقود شده را نشان میدهد، همانطوریکه در نمودار مربوطه هم مشخص گردیده است، بخش قابل توجهی از فراوانی این افراد یعنی تعداد ۱۱۹ نفر از مجموع ۱۵۷ نفر را افراد مجرد تشکیل داده اند، که معادل ۷۶٪ از کل مفقودین بوده و تنها ۳۸ نفر از مجموع افراد مفقود شده متاهل بوده اند که معادل ۲۴٪ می باشد.

**جدول ۳: توزیع فراوانی وضعیت تاهل مفقودین**

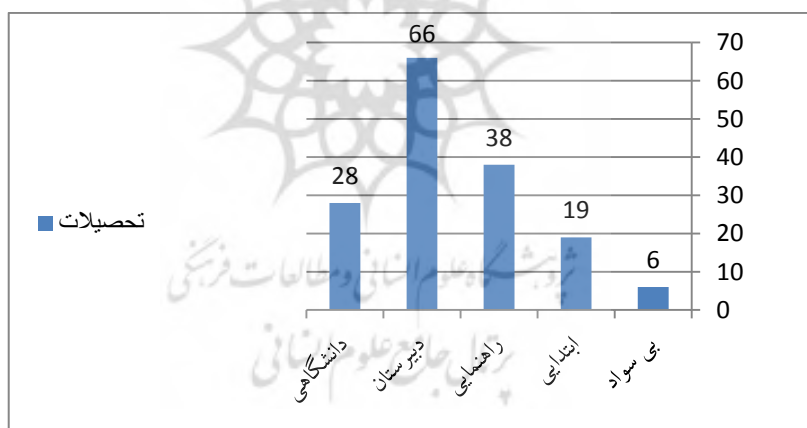
وضعیت تاهل	فراوانی	درصد
مجرد	۱۱۹	۷۶
متاهل	۳۸	۲۴
کل	۱۵۷	۱۰۰

**تحصیلات مفقودین:** توزیع فراوانی افراد مفقود شده در جدول شماره (۴) و نمودار شماره (۲) مشخص گردیده است. بر این اساس از مجموع ۱۵۷ نفر افراد مفقود شده در کلانشهر اهواز، تعداد ۶ نفر معادل ۴٪ بی سواد، تعداد ۱۹ نفر معادل ۱۲٪ ابتدایی، تعداد ۳۸ نفر معادل ۲۴٪ راهنمایی، تعداد ۶۶ نفر معادل ۴۲٪ دبیرستان، تعداد ۲۸ نفر معادل ۱۸٪

دانشگاهی می باشند. بیشترین فراوانی در این خصوص مربوط به افرادی است که تحصیلات آنها در مقطع دبیرستان بوده است و کمترین فراوانی نیز مربوط به افرادی است که تحصیلات آنها در مقطع بالاتر از لیسانس گزارش گردیده است.

جدول ۴: توزیع فراوانی سطح تحصیلات مفقودین

درصد	فراوانی	تحصیلات مفقودی
۴	۶	بی سواد
۱۲	۱۹	ابتدایی
۲۴	۳۸	راهنمایی
۴۲	۶۶	دبیرستان
۱۸	۲۸	دانشگاهی
۱۰۰	۱۵۷	کل



نمودار ۱: وضعیت تحصیلات مفقودین

**تجزیه و تحلیل داده ها:** در این بخش از تحقیق معنی دار بودن متغیرها و تحلیل استنباطی داده ها مورد بررسی قرار می گیرد و با استفاده از تکنیک های آماری معنی داری

یا عدم معنی داری رابطه ها و در نتیجه اثبات یا رد فرضیه های تحقیق بوسیله ی آزمون های مختلف از جمله: Chi-Square Test و Binomial Test سنجیده می شود و از آنالیز واریانس یک طرفه<sup>۱</sup> نیز استفاده خواهد شد.

**نتایج مربوط به آزمون فرضیه های تحقیق:** فرضیه ها بر اساس آزمون های پیش گفته بررسی که نتایج آن به شرح زیر می باشد.

**فرضیه اول:** به نظر می رسد بین جنسیت افراد و مفقودیت آنان رابطه وجود داشته باشد.

**فرضیه دوم:** بنظر می رسد بین وضعیت تاهل افراد و مفقودیت آنان رابطه وجود دارد. جهت آزمون این فرضیه ها از آزمون ناپارامتریک Binomial (آزمون نسبت یا آزمون دو جمله ای) استفاده شده است. بر این اساس نتایج آزمون هر یک از فرضیه ها در جدول شماره (۵) آمده است.

جدول ۵: نتایج آزمون دو جمله ای فرضیه های اول ، دوم

ردیف	متغیر	نوع آزمون	فراوانی	معنی داری	رد یا پذیرش
۱	جنسیت	دو جمله ایی	۱۵۷	۰/۰۰۰	پذیرش
۲	تاهل	دو جمله ایی	۱۵۷	۰/۰۰۰	پذیرش

با توجه به نتایج آزمون فرضیه های تحقیق در خصوص فرضیه اول که مربوط به جنسیت افراد مفقود شده می باشد ،  $Sig=0/000$  است؛ بنابراین تفاوت متغیر جنسیت معنی دار بوده و وجود رابطه بین جنسیت و مفقودیت اثبات می گردد. به این تعبیر که جنسیت افراد با مفقودیت آنان رابطه مستقیم و مثبت دارد. به عبارت دیگر افراد مونث در برابر پدیده مفقودیت، به مراتب آسیب پذیر تر از افراد مذکر هستند.

در خصوص فرضیه دوم، که بیانگر وجود رابطه بین وضعیت تاهل و مفقودیت افراد می باشد، نیز معنی دار بودن رابطه اثبات شده است. یعنی آسیب پذیری افراد مجرد در رابطه با مفقودیت، بیشتر از افراد متاهل می باشد، که نتیجه آزمون یعنی  $\text{Sig}=0/000$  موید این موضوع است.

**فرضیه سوم:** به نظر می رسد بین سن افراد و مفقودیت آنها رابطه وجود داشته باشد.

**فرضیه چهارم:** بنظر می رسد بین تحصیلات افراد و مفقودیت آنها رابطه وجود داشته باشد.

**فرضیه پنجم:** بنظر میرسد بین پایگاه های اقتصادی افراد و مفقودیت آنان رابطه وجود داشته باشد.

**فرضیه ششم:** بنظر میرسد بین احساس محرومیت نسبی و مفقودیت افراد رابطه وجود داشته باشد.

برای آزمون این فرضیه ها از آزمون  $X^2$  ۱ یک بعدی (یک نمونه ای) استفاده شده است. نتایج آزمون های انجام شده در جدول شماره (۶) نشان داده شده است.

**جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه های سوم، چهارم، پنجم و ششم**

ردیف	متغیر	نوع آزمون	درجه آزادی	معنی داری	رد یا پذیرش
۱	سن	کا-اسکور	۳	۰/۰۰۰	پذیرش
۲	تحصیلات مفقودی	کا-اسکور	۴	۰/۰۰۰	پذیرش
۳	پایگاه اقتصادی	کا-اسکور	۴	۰/۰۰۰	پذیرش
۴	محرومیت نسبی	کا-اسکور	۴	۰/۰۰۰	پذیرش

در خصوص فرضیه سوم، مبنی بر وجود رابطه بین سن افراد و مفقودیت آنان، با توجه به مقدار  $\text{Sig}=0/000$  تفاوت معنی داری در بین افراد مفقود شده وجود دارد و فرضیه تایید و

مورد پذیرش است. به این معنا که افراد در محدوده سنی ۲۵-۱۵ سال به مراتب بیشتر از سنین دیگر در معرض آسیب مفقودیت قرار دارند. بنابراین در این محدوده سنی افراد نیاز به مراقبت های بیشتری داشته و بایستی به مراتب بیشتر از سنین دیگر به آنها توجه نمود.

در خصوص فرضیه چهارم، که بیانگر رابطه بین تحصیلات افراد و مفقودیت است، با توجه مقدار  $\text{Sig}=0/000$  تفاوت معنی دار است و وجود رابطه مورد اثبات قرار می گیرد؛ اما از آنجایی که وجود این تفاوت معنی دار مربوط به فراوانی کمتر افراد کم سواد و فراوانی بیشتر مفقودینی که سطح تحصیلات آنان در حد دبیرستان می باشد، این متغیر نمی تواند عامل باشد و در رابطه با سطح تحصیلات باید عامل تأثیر گذار را در سطح تحصیلات پدر یا مادر جستجو کرد که در فرضیه های بعدی به آزمون آنها می پردازیم.

در خصوص فرضیه پنجم، که مربوط به بررسی رابطه بین پایگاه اقتصادی و مفقودیت افراد می باشد، از مقدار بدست آمده  $\text{Sig}=0/000$  نتیجه می گیریم که فرضیه مورد تایید و پذیرش است. طبیعی است افرادی که از نظر اقتصادی در فقر و یا به عبارتی در سطح پایینی از جامعه قرار گرفته اند، آسیب پذیر تر خواهند بود. نتیجه این تحقیق نیز همین واقعیت را بیان می کند. به طوری که پاسخگویان عمدتاً خود را متعلق به پایگاه های اقتصادی متوسط و پایین دانسته اند. یعنی هر چه فرد یا به عبارت بهتر خانواده از نظر اقتصادی در سطح پایین تری قرار داشته باشد بیشتر در معرض آسیب پذیری و مفقودیت قرار می گیرد.

در خصوص فرضیه ششم، یعنی بررسی رابطه بین احساس محرومیت نسبی و مفقودیت افراد نیز با توجه به این که مقدار  $\text{Sig}=0/000$  بدست آمده است، فرضیه مورد تایید و پذیرش است. به عبارت دیگر معناداری تفاوت، مربوط به افرادی است که در مقایسه خود با افراد دیگر از نظر جایگاه اقتصادی ° اجتماعی، به طور نسبی احساس محرومیت نموده اند، به عبارت دیگر هر چه احساس محرومیت نسبی در بین افراد بیشتر باشد، احتمال آسیب پذیری و مفقودیت آنان نیز افزایش می یابد. بنابراین بصورت مستقیم و مثبت رابطه وجود دارد و فرضیه نیز مورد پذیرش است.

## بحث و نتیجه گیری

با توجه به بافت جمعیتی کلانشهر اهواز که ترکیبی از قومیت های مختلف و خرده فرهنگ های خاص می باشد، امکان تعمیم نتایج این پژوهش به برخی دیگر از شهرستان ها و استان های کشور نیز وجود خواهد داشت. بدیهی است به لحاظ فقدان تحقیقات پیشین در این زمینه، تحقیق حاضر از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده و انشاء الله مبنای انجام تحقیقات جامع تر قرار بگیرد.

نتایج بررسی های انجام شده نشان می دهد :

فراوانی افراد مفقود شده در محدوده سنی ۲۵-۱۵ سال به مراتب بیشتر از دیگر سنین بوده است. بنابراین در این محدوده سنی افراد نیاز به مراقبت های بیشتری داشته و بایستی بیشتر از سنین دیگر به آنها توجه شود. نتایج این تحقیق در مقایسه با تحقیقات پیشین که نزدیک به موضوع این تحقیق می باشد، چنانچه نتایج به دست آمده از دیگر تحقیقات انجام شده که توسط لئوته و دیگران انجام شده است (به نقل از دکتر مهدی نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۴۸) نشان داده است: نسبت دختران بزهکار بالغ ۱۳ تا ۱۶ ساله در سال ۱۹۵۸ نسبت به بقیه اشخاص بزهکار برابر ۱۲/۳ در صد در سال ۱۳۵۹ برابر ۱۰/۹ درصد و در سال ۱۹۶۷ برابر ۹ درصد بوده است و نسبت دختران جوان ۱۶ تا ۱۸ ساله در سال ۱۹۵۸ برابر ۱۰/۲ درصد و در سال ۱۹۵۹ برابر ۸/۳ درصد و در سال ۱۹۶۷ نیز برابر ۸/۳ درصد بوده است، همخوانی داشته و در واقع مطابق به نتایج حاصله بوده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت محدوده سنی ۱۳ تا ۲۵ سن بحرانی برای دختران در جهت کجروی و قربانی شدن آسیب های اجتماعی تلقی می شود.

در خصوص سطح تحصیلات افراد مفقود شده، براساس یافته های پژوهش بیشترین فراوانی مفقودین مربوط به افرادی است که تحصیلات آنها مربوط به مقطع دبیرستان بوده است. این مقطع تحصیلی در تطبیق با محدوده سنی به همان محدوده سنی ۱۳ تا ۲۵ سال اختصاص دارد. بی شک ارتقای تحصیلی با افزایش آگاهی و فهم اشخاص همراه بوده و



با درک بهتر مسائل بصورت منطقی تری در صدد چاره جویی بر می آیند و مسلماً مقاومت آنان در برابر مشکلات رو به فزونی گذاشته و آینده ی منطقی را بر تاریکی و ابهام ترجیح می دهند. بنابراین می توان نتیجه گرفت، وجود همین شرایط باعث شده تا درصد مفقودین تحصیل کرده در سطوح بالاتر تقلیل یابد. بیشترین فراوانی در این خصوص مربوط به افرادی است که تحصیلات آنها در مقطع دبیرستان بوده است و کمترین فراوانی نیز مربوط به افرادی است که تحصیلات آنها در مقطع بالاتر از لیسانس گزارش گردیده است.

واقعیت این است که شاید سیاستهای اتخاذی ما در جهت مبارزه با بی سوادی موثر و چشمگیر بوده، اما به هیچ وجه کافی نبوده و راهکارهایی همچون اجبار بر تحصیل فرزندان ضرورتی اجتناب ناپذیر بنظر می رسد.

در خصوص بررسی رابطه بین احساس محرومیت نسبی و مفقودیت افراد نیز با توجه به آزمون انجام شده، مقدار  $\text{Sig} = 0/000$  بدست آمده، فرضیه مورد تایید و پذیرش بوده و به عبارت دیگر، معناداری تفاوت، مربوط به افرادی است که در مقایسه خود با افراد دیگر از نظر جایگاه اقتصادی - اجتماعی بطور نسبی احساس محرومیت نموده اند، به عبارت دیگر هر چه احساس محرومیت نسبی در بین افراد بیشتر باشد احتمال آسیب پذیری و مفقودیت آنان نیز افزایش می یابد. بنابراین وجود رابطه مستقیم و مثبت ثابت گردیده است.

**راهکارهای پیشنهادی:** با توجه به نتایج به دست آمده و ضرورت دستیابی به راهکارهای اجرایی، پیشنهادات زیر ارائه می گردد.

۱- نتیجه تحقیق انجام شده نشان می دهد، بیشتر افراد مفقودیت شده دانش آموز و در مقطع دبیرستان مشغول تحصیل می باشند که علت فقدان آنها و فرار از کانون خانواده به اغفال و عدم آگاهی از پیامدهای فرار بر می گردد. لذا پیشنهاد می گردد، امور بانوان معاونت اجتماعی بصورت هفتگی در دبیرستانهای دخترانه مشاوره رایگان ارائه نمایند و سخنرانی های علمی نیز به صورت دوره ای ارائه گردد. یا در صورت امکان کتابی مرتبط با

دانستنی های انتظامی با همکاری روانشناسان و کارشناسان آموزش و پرورش تألیف و به منظور ارتقاء دانش، دانش آموزان به عنوان واحد درسی در مقطع موصوف گنجانده شود.

۲- غالباً افرادی که کانون خانواده را ترک می کنند در همان مراحل اولیه از تصمیم خود پشیمان می شوند، ولی همچنان آینده تاریک و مبهم را بر بازگشت به آغوش خانواده ترجیح می دهند. چرا؟ نتایج این تحقیق نشان داد؛ که پدر و مادر مفقودین عمدتاً بی سواد یا کم سواد بوده اند. این بی سواد یا کم سواد والدین باعث گردیده است:

الف) والدین در تربیت صحیح فرزند و ارتباط رابطه ی قوی و ارضای نیازهای عاطفی وی ناموفق عمل کنند، بخصوص دختران که روحیه شکننده تری دارند و منجر به فرار آنها از کانون خانواده شده یا به عبارتی جذب محیط بیرون و محبت ظاهری دیگران شده اند.

ب) مفقودی می داند که در صورت بازگشت، والدین، قوه تجزیه و تحلیل و هضم اشتباه وی را نخواهند داشت و قطعاً با نکوهشی جانکاه مواجه خواهد شد و حتی امنیت جانی وی هم تضمین نیست و تازه در صورتی که همه این شرایط هم محقق شود باید برچسب انحراف را از طرف خانواده و اطرافیان به یدک بکشد. خدا از اشتباه بنده می گذرد اما فرزند که پاره تن والدین است از اشتباه خود در برابر آنان در امان نمی ماند! اینها همه نتیجه بی سواد، بی منطقی و عدم توان تحلیل مسائل است.

راهکار چیست؟

دوره وجود دارد:

الف) یا باید سطح بینش و آگاهی این افراد را بالا ببریم. که امری بسیار دشوار است؛ ولی در هر صورت معاونت محترم اجتماعی می تواند اقدامات آگاه سازی خود را از طریق رسانه های گروهی و یا ارائه سخنرانی، نمایش فیلم و ... در انجمن اولیاء مدارس انجام دهد.

ب) یا باید سطح تحمل نوجوانان را افزایش داد، که می توان با ارائه هشدارهای پلیسی و ارتقاء سطح باورهای دینی آستانه تحمل آنان را افزایش داد. حضور مستمر کارکنان و

مشاوران معاونت اجتماعی در مدارس خیلی مهم است و این امر باعث می شود که نوجوانان بیشتر با پلیس آشنا شوند و رابطه برقرار کنند. چرا که چنانچه فرد خود را از خانواده طرد شده ببیند، باید به پلیس پناه ببرد. اگر از پلیس هم بترسد و گریزان باشد ...

۳- با توجه به معنی دار بودن احساس محرومیت نسبی و مفقودیت اشخاص در این پژوهش، پیشنهاد می گردد اقدامات مقتضی در جهت کاهش احساس محرومیت نسبی از طریق توزیع عادلانه امکانات و ملزومات رفاهی و ثروت در جامعه (از طریق متولیان امر) صورت گیرد.

۴- با توجه به معنی دار بودن متغیر پایگاه اقتصادی در بین افراد مفقود شده پیشنهاد می گردد اقدامات لازم به منظور کاهش فاصله طبقاتی در جامعه معمول گردد.

۵- با توجه به نتایج این پژوهش و تعیین سن بحرانی مفقودین، پیشنهاد می گردد آموزش و اطلاع رسانی لازم مبنی بر مراقبت ویژه خانواده ها از فرزندان خود در محدوده سنی ۱۵ تا ۲۵ سال صورت گیرد.

۶- با توجه به عدم وجود سوابق پژوهشی گسترده در خصوص مفقودیت اشخاص پیشنهاد می گردد ضمن ترغیب محققان و علاقمندان تحقیقات بیشتری در ابعاد مختلف در این خصوص انجام شود. تا بتوان نتایج تحقیقات را به کل کشور تعمیم داد.

۷- مدارس و آموزشگاهها باید اهتمام بیشتری را در جهت مسائل تربیتی مبذول دارند.

۸- آموزش مهارت های زندگی به طریق مختلف بخصوص در محدوده سنی ۱۵ تا ۲۵ سال و آموزش والدین در خصوص شیوه های فرزند پروری و همسرمداری و پایبندی به اصول اخلاقی صورت گیرد.

## فهرست فارسی

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹). جامعه شناسی خانواده ایرانی (چاپ دوم). تهران، انتشارات سمت.
- افراسیابی، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی دلایل بزهکاری در نوجوانان مطالعه موردی شهرستان بهبهان (طرح تحقیقاتی). انتشارات دفتر تحقیقات کاربردی فاستان خوزستان.
- بیابانی، غلامحسین و سایر (۱۳۸۴). فرهنگ توصیفی علوم جنایی. انتشارات معاونت اجتماعی ناجا.
- پور رضا قلی، هوشنگ (۱۳۸۴). آدم ربایی. انتشارات معاونت آگاهی ناجا.
- خلعتبری، عبدالحسین و خوشزاد، سیدرضا (۱۳۸۶). آدم ربایی گمشدگان گروگانگیری (چاپ دوم) انتشارات معاونت آموزش ناجا.
- دی. ای. دواس (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: انتشارات نی.
- ستوده هدایت الله (۱۳۷۶). آسیب شناسی اجتماعی (جامعه انحرافات). چاپ چهارم. انتشارات آوای نور.
- علی احمدی، علیرضا و سایر (۱۳۸۶). توصیفی جامع از روش تحقیق (چاپ دوم). انتشارات تولید دانش.
- کی نیا، مهدی (۱۳۸۸). مبانی جرم شناسی جلد اول (چاپ سیزدهم). انتشارات دانشگاه تهران.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۵). بزهکاری نوجوانان و نظریه های انحراف اجتماعی. ناشر علم.
- معیدفر، سعید (۱۳۹۰). جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران (چاپ سوم) ناشر نور علم.

- Hirshi , Travis (۱۹۶۹) , Case of Delinquency , Berkeley and los Angels : university of California Press.
- Merton , Robertk.(۱۹۶۸) , social theory and social structure , England Edition. Newyork : Free press.

